

هنر نائینی این بود که نشان دهد نظام سیاسی مشروطه به‌عنوان یک موضوع مستحدث سیاسی، بر مبنای فقه شیعه قابل دفاع بوده و با موازین شریعت ناسازگار نیست، برخلاف مشروطه‌خواهان که آن را مخالف شریعت ارزیابی می‌کردند. البته معتمد در موارد متعدد اختلاف عالمان موافق و مخالف مشروطه، اختلاف مبنایی نبود بلکه موضوع موافقت و مخالفت متفاوت بود. مخالفت مشروطه‌خواهان با مشروطه‌ای بود که در عالم خارج تحقق پیدا کرده بود، نه مشروطه‌ای که علمای نجف از آن دفاع می‌کردند



چه اندازه از مباحث عبدالرحمن کواکبی در طبایع الاستبداد تاثیر پذیرفته است؟ این موضوع هم از موضوعات مورد اختلاف در تحلیل و ارزیابی میزان تاثیر پذیری نائینی از افکار و اندیشه‌های متفکران دیگر است. برخی مانند مرحوم دکتر عبدالهادی حائری در کتاب تشیع و مشروطیت او را متأثر از کواکبی در کتاب طبایع الاستبداد ارزیابی می‌کنند، ولی به نظر می‌رسد مباحث نائینی در خاتمه کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله درباره استبداد دینی و سیاسی با رویکرد کواکبی متفاوت است. روش بحث هم یکسان نیست. اگر متأثر از او هم باشد، مقایسه این دو بحث از این دو متفکر، تفوق علمی نائینی بر کواکبی را نشان می‌دهد. البته این تاثیر پذیری ارتباط مستقیمی با موضوع سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ارتباط او با نائینی ندارد. هرچند نفس این ارتباط، در گستره نگاه نائینی به مسائل بیرون از حوزه علمیه نجف و مسائل کلان سیاسی در جهان اسلام موثر بوده است.

در پایان عرض می‌کنم آنچه درباره مشروطه اهمیت دارد و در شرایط امروز ما مفید است، تحلیل و ارزیابی شرایطی است که موجب شد نهضت مشروطه به استبداد پهلوی بینجامد. آنچه امروز مایه عبرت و درس‌آموزی برای ماست، پیامدهای خطرناک اختلاف عالمان دین و علاقه‌مندان به ملک و مملکت و سرنوشت ایران و اسلام است؛ آن هم اختلاف علنی و آشکار و دامن زدن به آن در محافل عمومی و هتک یکدیگر و سوءاستفاده دشمنان. آیا نباید از سرنوشت مشروطه عبرت گرفت؟ آیا نباید تجربه گذشتگان برای ما درس و عبرت باشد؟ باید بر نقاط مشترک همه نیروهای دلسوز انقلاب تکیه کرده، از اختلاف پرهیز کرد، نقش مردم را به رسمیت شناخت و در جهت رضایت آن قدم برداشت.

این بود که نشان دهد نظام سیاسی مشروطه به‌عنوان یک موضوع مستحدث سیاسی، بر مبنای فقه شیعه قابل دفاع بوده و با موازین شریعت ناسازگار نیست، برخلاف مشروطه‌خواهان که آن را مخالف شریعت ارزیابی می‌کردند. البته معتمد در موارد متعدد اختلاف عالمان موافق و مخالف مشروطه، اختلاف مبنایی نبود بلکه موضوع موافقت و مخالفت متفاوت بود. مخالفت مشروطه‌خواهان با مشروطه‌ای بود که در عالم خارج تحقق پیدا کرده بود، نه مشروطه‌ای که علمای نجف از آن دفاع می‌کردند.

◆ آیا محقق نائینی در طول حیات خود در باب بحث ولایت فقیه دچار تغییر نظر شده بود؟ اگر پاسخ مثبت است، روند این تغییر به چه نحوی بوده است؟ ماجرای حذف دو فصل از کتاب سرمنشأ مباحث فراوانی حول دیدگاه نائینی در باب ولایت عامه فقهاست. تلقی و تحلیل شما از محتوای این فصول و چرایی اقدام نائینی چیست؟ از مطالعه آثار متعدد نائینی این نتیجه گرفته نمی‌شود که ایشان در این نظریه دچار تبدل رأی شده باشند. در خصوص دو فصلی که نائینی در کتاب تنبیه‌الامه سخن گفته که در اثبات ولایت عامه فقیه نگاشته، خود او طبق گزارشی که داده بر اثر دیدن یک رویا، آن دو فصل را با رویکرد کلی کتاب در دفاع از مشروطه نامتناسب دیده، از این رو به حذف آن مبادرت کرده است. بنده رد پای از این دو فصل نیافته‌ام.

◆ با توجه به آشنایی محقق نائینی با سیدجمال‌الدین اسدآبادی، ایشان تا

است بنا بر گزارش آملی، مرحوم نائینی بدون تعیین موضع نهایی خود بحث در این رابطه را رها کرده و صرفاً به تبیین مساله و اختیارات فقیه در فرض ولایت یا ولایت قضا اکتفا کرده است؛ اما گزارش منیه‌الطالب که در پایان کتاب هم به‌عنوان اولین پیوست سه‌گانه منتشر شده است حاکی از فاصله آرام نائینی از ولایت عامه و نقد اجمالی این دیدگاه است. (آستانه تجدد ص ۱۳۶-۱۳۷) نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟ معتمد هم تقریر خوانساری از درس خارج فقه نائینی، هم تقریر آملی و هم کتاب تنبیه‌الامه گویای آن است که نائینی از طرفداران نظریه ولایت عامه فقیه در عصر غیبت است. هرچند در تقریر خوانساری اشکالی به دلالت روایت مقبوله عمر بن حنظله وارد شده که در صاحب این اشکال اختلاف است.

برخی معتقدند این اشکال از مقرر است و برخی آن را به نائینی مستند می‌کنند؛ اما آنچه درباره نائینی اهمیت دارد، این نیست که ایشان به نظریه ولایت فقیه در عصر غیبت معتقد بود یا نه؟ بلکه آنچه درباره نائینی مهم است توجه به این نکته است که نائینی در دفاع از مشروطه بر مبنای مشهور فقیهان یعنی نظریه حسیه مشی کرده است. شاید به این دلیل که نشان دهد نظام سیاسی مشروطه بنا بر مبنایی که در فقه امامیه ضروری شمرده می‌شود و مقبول قاطبه فقیهان امامیه است، مخالفتی با شرع ندارد، بلکه بسیاری از آموزه‌های آن مانند آزادی از اسارت استبداد سیاسی و دینی، مساوات مردم و حاکمان در برابر قانون، نظارت بر دولتمردان و... از شریعت گرفته شده است. هنر نائینی